



شبهه با امام جواد(ع) امتحان شد / شبهه واقفیه در امامت جوادالائمه

عصر امام رضا(ع) عصر ویژه ای بوده و حضرت در تعیین جانشین خود با مشکلاتی روبرو بوده اند. تولد حضرت جواد(ع) در شرایطی صورت گرفت که خیر و برکت خاصی برای شیعیان به ارمغان آورد.

عصر امام رضا(ع) عصر ویژه ای بوده و حضرت در تعیین جانشین خود با مشکلاتی روبرو بوده اند. تولد حضرت جواد(ع) در شرایطی صورت گرفت که خیر و برکت خاصی برای شیعیان به ارمغان آورد.

خبرگزاری مهر، یکی از فرقه‌هایی که در زندگی ائمه طاهرین و جریان تشیع بسیار سنگ اندازی و شبهه افکنی کرده است، جریان واقفیه است. جریانی که به دلیل اینکه امام رضا (ع) تا سالیان متمادی یعنی حدود چهل و هفت سالگی، فرزندی نداشتند، در امامت آن حضرت تشکیک کردند. حتی پس از ولادت امام جواد (ع) این جریان سعی داشت، اینگونه القا کند که این مولود فرزند امام رضا (ع) نیست. برای این منظور قیافه شناسی را حاضر کردند تا این مطلب را اثبات کنند.

لذا جسارت جریان واقفیه به امام رضا (ع) تا جایی پیش رفت که برای اثبات اینکه امام جواد فرزند حضرت رضا (ع) است، قیافه شناسی آوردند تا این مسئله اثبات شود.

با اثبات حقانیت این موضوع، برخی که در امامت حضرت رضا (ع) دچار شبهه شده بودند، بازگشتند ولی برخی نیز بر عناد خود اصرار ورزیدند.

شاید به خاطر اثبات امامت امام رضا (ع) بود که آن حضرت، فرزندشان امام جواد را با برکت ترین مولود خواندند. در متون روایی شیعی از حضرت جواد (ع)، به عنوان مولودی پرخیر و برکت یاد می‌شود. چنانکه «ابو یحیای صنعانی» می‌گوید: روزی در محضر امام رضا (ع)، فرزندش ابو جعفر را که خردسال بود، آوردند. امام فرمود: «این مولودی است که برای شیعیان ما، با برکت تر از او زاده نشده است».

گویا امام، به مناسبت های مختلف، از فرزند ارجمند خود با این عنوان یاد می‌کرده و این موضوع در میان شیعیان و یاران امام رضا (ع) معروف بوده است، به گواه اینکه دو تن از شیعیان بنام «ابن اسباط» و «عباد بن اسماعیل» می‌گویند: در محضر امام رضا (ع) بودیم که ابو جعفر را آوردند، عرض کردیم: این همان مولود پرخیر و برکت است؟ حضرت فرمود: «آری، این همان مولودی است که در اسلام با برکت تر از او زاده نشده است».

تولد حضرت جواد علیه السلام در شرایطی صورت گرفت که خیر و برکت خاصی برای شیعیان به ارمغان آورد، بدین معنا که عصر امام رضا (ع) عصر ویژه ای بوده و حضرت در تعیین جانشین خود و معرفی امام بعدی، با مشکلاتی روبرو بوده اند که در عصر امامان قبلی، بی سابقه بوده است

لذا بررسی موضوع و ملاحظه شواهد و قرائن، نشان می‌دهد مقصود از این احادیث این است که تولد حضرت جواد (ع) در شرایطی صورت گرفت که خیر و برکت خاصی برای شیعیان به ارمغان آورد، بدین معنا که عصر امام رضا (ع) عصر ویژه ای بوده و حضرت در تعیین جانشین خود و معرفی امام بعدی، با مشکلاتی روبرو بوده اند که در عصر امامان قبلی، بی سابقه بوده است؛ زیرا از یک سو پس از شهادت امام کاظم (ع) گروهی که به «واقفیه» معروف شدند، براساس انگیزه های مادی، امامت حضرت رضا (ع) را انکار کردند و از سوی دیگر امام رضا (ع) تا حدود چهل و هفت سالگی دارای فرزند نشده بود و چون احادیث رسیده از پیامبر گرامی (ص) حاکی از آن بود که امامان دوازده نفرند که نه نفر آنان از نسل امام حسین (ع) خواهند بود، فقدان فرزند برای امام رضا (ع)، هم امامت خود آن حضرت و هم تداوم امامت را زیر سوال می‌برد و واقفیه این موضوع را دستاویز قرار داده و امامت حضرت رضا (ع) را انکار می‌کردند.

علاوه بر حدیثی که ذکر شد، شواهد و قرائن زیادی در تاریخ وجود دارد که حاکی از علاقه بی حد و حصر امام رضا (ع) به فرزند خویش است.

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید: وقتی وجود مبارک امام جواد به دنیا آمده است وجود مبارک امام رضا (ع) خیلی به این نوزاد علاقمند بود آن طوری که مسعودی در مروج الذهب خود نقل می‌کند «کان ینادیه فی المهد طول

لیله» در بسیاری از شب وجود مبارک امام رضا (ع) تا سحر کنار این گهواره ذکر خواب می گفت مناجات می کند مناقات می کرد با او گفتگو می کرد.

وی می افزاید: به امام رضا (ع) عرض کردند شایسته نیست پدری همچون شما کنار گهواره کودک ذکر خواب بگویید که کودک بخوابد فرمود: نه من ذکر خواب می گویم نه او به خواب می رود من دارم معارف الهی را به او منتقل می کنم و با علم او را عزیز می کنم «انما اعزّه بالعلم عزّا»؛ این کار آن پدر و آن پسر بود.

یکی دیگر از مسائل دوران امام جواد (ع) بحث امامت ایشان در دوران کودکی بود. جوادالائمه (ع) در هشت سالگی به امامت رسید و این مسئله برای برخی شبهه ایجاد کرده بود که چگونه ممکن است پسری ۸ ساله به مقام امامت برسد؟

آیت الله جوادی آملی در مورد این موضوع می گوید: وقتی وجود مبارک امام جواد (ع) در دوران کودکی به مقام شامخ امامت رسید به او عرض کردند که مگر کودک به مقام شامخی می رسد مثل نبوت یا امامت؟ فرمود: وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا که در قرآن می خوانید این سند آن است که اگر کسی از علم لدنی برخوردار باشد ذات اقدس الهی چنین سمتی را به او عطا می کند. بعد وقتی وارد فضای جامعه شدند مهمترین کارشان تفسیر قرآن و نشر معارف قرآن و اهل بیت بود.

آیت الله جوادی آملی روایت می کند: ابن عمار می گوید من دو سال در مدینه در محضر درس علی بن جعفر رضوان الله علیه مشرف بودم. احادیثی را که علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهم السلام نقل می کرد، من می نوشتم. روزی در مجلس درس علی بن جعفر ما دیدیم که استاد ما، ابن پیر خرد، بدون کفش و عبا، به استقبال کودکی رفت و دست مبارک آن کودک را بوسید و او را تعظیم کرد آن کودک فرمود: عموی من بشین! عرض کرد: چگونه من بشینم و شما ایستاده اید؟ این صحنه گذشت...

وی ادامه می دهد: شاگردان علی بن جعفر به عرض او رساندند که شما با این قدمت و با این سوابق درخشان تدریس در برابر یک کودک این همه پر خضوع!! فرمود: اسکتوا! ساکت باشید! سپس دست به محاسن شریف خود گذاشت و گفت: خدا مرا با این محاسن سفید دید، ولی مرا لایق امامت ندانست و این کودک را اهل امامت دانست! چه اعتراضی دارید؟! چه حرفی دارید؟! امام جواد این چنین است و مظهر جود خداست و بهترین جود، جود های علمی است...

لذا به دلیل پایین بودن سن امام جواد، شیعیان درباره امامت پس از امام رضا اختلاف پیدا کردند و پس از امام رضا سه گروه شدند، با این حال، بیشتر اصحاب علی بن موسی الرضا (ع) به امامت فرزندش جواد معتقد شدند. علت این اختلاف کودکی جوادالائمه بود.

حضرت رضا در واکنش به کسانی که خردسالی جوادالائمه را مطرح می کردند به نبوت حضرت عیسی در کودکی استناد می کرد و می فرمود: «سن عیسی هنگامی که نبوت به وی عطا شد کمتر از سن فرزند من بوده است.» اما این مسئله در زمان امامت جوادالائمه، به صورت جدی تر و به عنوان شبهه مطرح شد و سبب شد برخی از خواص اصحاب امام رضا نیز در امامت جوادالائمه تردید کنند

این مسئله در زمان حیات امام رضا (ع) نیز مطرح بود. حضرت رضا در واکنش به کسانی که خردسالی جوادالائمه را مطرح می کردند به نبوت حضرت عیسی در کودکی استناد می کرد و می فرمود: «سن عیسی هنگامی که نبوت به وی عطا شد کمتر از سن فرزند من بوده است.» اما این مسئله در زمان امامت جوادالائمه، به صورت جدی تر و به عنوان شبهه مطرح شد و سبب شد برخی از خواص اصحاب امام رضا نیز در امامت جوادالائمه تردید کنند.

همچنین در پاسخ به کسانی که شبهه کودکی امام جواد را مطرح می کردند، به آیاتی از قرآن درباره نبوت حضرت یحیی در کودکی و سخن گفتن حضرت عیسی در گهواره استناد می شد. خود حضرت نیز در پاسخ به کسانی که مسئله سن او را مطرح می کردند، به جانشینی حضرت سلیمان به جای حضرت داود، در کودکی اشاره می کرد و می فرمود: هنگامی که حضرت سلیمان کودکی بیش نبود و گوسفندان را به چرا می برد، حضرت داود او را جانشین خود کرد اما علمای بنی اسرائیل آن را انکار می کردند.

آیت الله میرباقری نیز در مورد امامت جوادالائمه در سنین کودکی می گوید: امامت یک منصب الهی است که خدا می دهد و آن حقیقت، روح امامت است، مثل روحی که خداوند در آدم می دمدم و می فرماید: بر او سجده کنید. این گِل،

حجاب است. امام وقتی در عالم دنیا می آید، این بدن نباید برای ما حجاب بشود. وقتی آن روح منتقل به امام شد امام بالفعل است؛ می خواهد بر حسب ظاهر، صغیر باشد یا کبیر، تفاوتی نمی کند و این فقط صحنه امتحان ماست. امام، همان امام است و همه قوای امامت را دارد و وقتی جبرئیل و روح در شب قدر می آیند در محضر همین امام می آیند. همانطور که آنها تواضع می کنند و پرچمداران عالم ملکوت تدبیر خودشان را با امام هماهنگ می کنند و مأموریت های بزرگشان را بی چون و چرا با امام تنظیم می کنند؛ یعنی امتحانی که دادند برقرار است، ما هم باید نسبت به امام همین رابطه را داشته باشیم.

وی ادامه می دهد: این یکی از مراحل امتحان سنگین جامعه شیعه بود که خداوند متعال همانطور که ملائکه را امتحان کرد این بار جامعه مومنین را امتحان کرد. یعنی امامشان را در قالب جسمی که به حسب ظاهر خردسال است، قرار داد. این امتحان سنگینی بود. اتفاقاً یکی از ادواری که در آن انشعاب جدی در جامعه تشیع رخ نداد، دوره امام جواد (ع) است. یعنی جامعه تشیع این امتحان را خیلی خوب داده اند و خیلی خوب تر امام، این امامت را بروز دادند. یعنی این جور نبود که این عالمان بزرگ، مقلد باشند، و واقعاً امامت در امام تجلی کرد و آنچه ما در باب امام می گوئیم در ایشان بروز پیدا کرد. ایشان به حسب ظاهر خردسال بودند (در سن ۶ سالگی) ولی شئون امامت در امام جواد (ع) در ۶۵ سالگی محقق شد. یعنی همان شئون امامتی که در ۶۳ سالگی در وجود امیرالمومنین (ع) و در ۶۵ سالگی در امام صادق (ع) بود، همان شئون امامت، در سن ۶ سالگی در امام جواد (ع) بود.

حضرت به گونه ای جامعه شیعه را اداره کردند که انشعاب در دوره ایشان اتفاق نیفتاد و بعد از ایشان هم انشعابات، بسیار محدود هستند

وی معتقد است: شیعه امتحان داد و خود امام هم مظهر تثبیت آن اعتقادات امامیه شدند. حضرت به گونه ای جامعه شیعه را اداره کردند که انشعاب در دوره ایشان اتفاق نیفتاد و بعد از ایشان هم انشعابات، بسیار محدود هستند. امام رضا (ع) می فرماید: خداوند فرزندی به برکت جوادالائمه (ع) به شیعه نداده است و این در باب حضرت، خیلی نکته لطیفی است. و همین هم کافی است که کسی در قالب امام ۶ ساله، امامت کرده است. این طور نبود که پادشاه بازنشسته باشد و بعد نایب السلطنه کشور را اداره کند. واقعاً ایشان شیعه را رهبری کردند و در سن ۶ سالگی به گونه ای رهبری کردند که این افراد عظیم متراکم در حال درگیری با دستگاه بنیالعباس، واقعاً مدیریت شدند و امامت امام را لمس کردند و با امامت امام به سوی جلو حرکت کردند.

وی ادامه می دهد: در پی نشر و احیای معارف ناب [اهل بیت علیهم السلام در دوره امام رضا علیه السلام] جامعه شیعه این قابلیت را پیدا کرد تا برای اولین بار به امام خردسال امتحان شود و از این آزمایش سخت، سربلند بیرون آید. شیعه در زمان امام رضا علیه السلام آن قدر بالغ شده بود که پس از ایشان، انشعاب جدی دیگری در میان شیعیان پدیدار نشد؛ در حالی که سه تن از امامان پس از ایشان _ امام جواد، امام هادی و امام عصر علیهم السلام _ از نظر سن، خردسال بودند.

وی می گوید: چنین فهمی، تصادفی نیست؛ بلکه از رشد جامعه شیعه در درک عمیق تری از معنای امامت و ظرفیت بالاتری از تحمل ولایت حکایت دارد. این بلوغ، محصول تصرفات و معارفی است که امام رضا (ع) ضمن هجرت خودشان از مدینه به مرو، در اختیار جامعه شیعه قرار دادند و ظرفیت شیعیان را تا حد اطاعت از امام خردسال ارتقا بخشیدند. عجیب تر اینکه، کسانی در برابر امامت امام جواد علیه السلام تسلیم شده بودند که از علمای بزرگ شیعه محسوب می شدند و شاگردی امام صادق علیه السلام را تجربه کرده بودند.